



ایراس با حضور دکتر ولادیمیر یاکونین، معاون سابق وزارت حمل و نقل روسیه برگزار کرد:

نشست تخصصی «اوراسیای بزرگ: زمینه های همکاری و تهدیدات پیش رو»

در ادامه سلسله نشست های علمی و تخصصی موسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس)، عصر سه شنبه ۱۲ بهمن ماه ۱۳۹۵ نشست «اوراسیای بزرگ: زمینه های همکاری و تهدیدات پیش رو» با حضور دکتر ولادیمیر یاکونین، معاون سابق وزارت حمل و نقل روسیه و رئیس هیأت امنای «موسسه تحقیقاتی گفت و گوی تمدن ها» و دکتر جهانگیر کرمی استاد دانشگاه تهران در محل موسسه برگزار شد و مسایل پیرامون اوراسیای بزرگ و مشکلات پیش روی آن، مورد بحث و بررسی قرار گرفت. متن کامل مباحث این نشست از قرار زیر است:

دکتر محمود شوری، رئیس جلسه: موضوع بحث امروز در ارتباط با حوزه اوراسیا است. همچنین ارتباطی که این حوزه می تواند با حوزه خاورمیانه و آسیا غربی داشته باشد. ایران و روسیه دو کشوری هستند که در حوزه های منطقه ای، دوجانبه و هم حوزه های بین المللی ارتباط خیلی گسترده ای با یکدیگر دارند. در اینجا لازم است از بحث های دو جانبه اگر چه دارای اهمیت هستند، بگذریم و تلاش نماییم درباره روابط دو جانبه ایران و روسیه در سطح بین الملل و در سطح منطقه ای گفتگوی بیشتری داشته باشیم. جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از قدرت های تعیین کننده در آسیای غربی و خاورمیانه محسوب می شود. فدراسیون روسیه هم بعنوان یک قدرت بزرگ جهانی، قدرت تعیین کننده ای در حوزه اوراسیا است. اگر چه حوزه خاورمیانه درگیر و گرفتار چالش های زیادی می باشد، ولی به اعتقاد من حوزه اوراسیا یکی از حوزه های مناطق در حال ظهور در سطح جهانی است. حتماً حوزه اوراسیا در آینده، در اقتصاد و سیاست جهانی نقش تعیین کننده تری ایفا خواهد نمود. به هر حال هر گونه گفتگویی بین ایران و روسیه می تواند گفتگوی بین دو منطقه هم تلقی گردد. بر این اساس از دکتر ولادیمیر یاکونین، معاون سابق وزارت حمل و نقل روسیه و رئیس هیأت امنای «موسسه تحقیقاتی گفت و گوی تمدن ها» و آقای دکتر جهانگیر کرمی استاد دانشگاه تهران درخواست می کنیم دیدگاه خودشان را ارائه کنند. در پایان هم فرصتی برای پرسش و پاسخ خواهد بود.

دکتر یاکونین: زمان زیادی است که ما یکدیگر را می‌شناسیم. برنامه گفتگوی تمدن‌ها در سطح جهانی، پانزده سال است که وجود دارد. از سال گذشته از آنجا که من از مسوولیت‌های دولتی خود آزاد شده‌ام و دیگر هیچ‌گونه مسوولیت دولتی و نیمه‌دولتی را ندارم، برای من این امکان فراهم شده است که بتوانم به صورت دائمی فعالیت‌های موسسه جهانی گفتگوی تمدن‌ها را دنبال کنم. از آنجایی که بحث گفتگوی تمدن‌ها مربوط به تمامی تمدن‌ها می‌شود، از جمله موسسه گفتگوی تمدن‌ها که در برلین پی‌ریزی شده و از اقوام مختلف از جمله روس، امریکایی، آلمانی، فرانسوی، و سایر اقوام مختلف در آنجا حضور دارند. بر این اساس قبل از وارد شدن به مبحث امروز یعنی «اوراسیای بزرگ؛ زمینه‌های همکاری و مشکلات پیش‌رو»، باید گفت ما در دهکده جهانی زندگی می‌کنیم و بدون در نظر گرفتن رشد و توسعه کلی و همگانی تمدن‌ها، نمی‌توانیم به رشد تمدن بشریت دستیابی پیدا کنیم. سیاست‌مداران ایران و چین با یکدیگر روابط نزدیکی را دارند، اما سیاست‌مداران چینی درکی از اوراسیای بزرگ ندارند و این مساله برای دوستان چینی زنگ خطری است. از سوی دیگر این سوال مطرح است که جهت‌گیری سیاست‌های روسیه، آیا از سمت شرق به غرب تغییر خواهد نمود. سعی من در تمام سخنرانی‌ها و فعالیت‌هایی که در مراکز گفتگوی تمدن‌ها دارم، بر این است که این مساله را توضیح و نشان بدهم و ثابت کنم که در بحث اوراسیای بزرگ، سیاست‌کشور بزرگی مانند روسیه و یا ایران، و یا هر کشور دیگری مطرح نیست. در یکی از سخنرانی‌هایی که داشتیم، درباره جهت‌گیری سیاست‌های آلمان تشریح کردم که در واقع این یک نوع مازوخیسم یا خودآزاری است. چرا من اسم این را خود آزاری سیاسی گذاشتم، در واقع سیاست‌های لیبرال اروپایی و همچنین جهت‌گیری‌هایی که داشته‌اند، در مقابل با فرهنگ و تمدن شرقی و در گستره و ارتباط با غرب بود و به همین دلیل ضد ارزش محسوب می‌شود. می‌خواهم توضیح بدهم دلیل اتفاقی که بین روسیه و اروپا افتاد و تغییر و اختلافاتی که پیش آمد چه چیزی است. هیچ‌کدام از سیاست‌مداران اروپایی باور نمی‌کنند که تانک‌های روسی وارد شهرهای اروپای شرقی مانند استونی و لیتونی بشوند، ولی برای یک عده ای‌ایجاب می‌کند که تنش‌های بین مرز روسیه و اتحادیه اروپا حفظ گردد. قذافی در سال‌های آخر حکومت خود برای چه کسی ایجاد مزاحمت می‌کرد. بر عکس لیبی نقش یک دیوار حائل را بازی می‌کرد که آن قسمت فقیر و عقب‌افتاده آفریقا را از قسمت اروپایی و پیشرفته و ثروتمند جدا می‌کرد و در نهایت با از بین رفتن این مرز، این جمعیت به اروپا سرازیر شدند. منافع چه کسی ایجاب می‌کرد که مانع همکاری‌ها و همگرایی‌های اقتصادی روسیه و آلمان شود. دلیل این چه بود و چه کسی از این بابت متضرر می‌شد. دیدگاه‌های اقتصادی نشان می‌دهد اقتصاد اروپا با دو کشور رقابت دارد؛ یکی ایالات متحده آمریکا و دیگری تا حدودی کشور چین است. بنابراین همکاری‌های اروپا و روسیه، برای آمریکا ناخوشایند و خطر ساز بود. بنابراین از دیدگاه روسیه، این رقیب اروپا یعنی آمریکا است که از خراب شدن روابط اقتصادی بین روسیه و کشورهای اروپایی

سود می‌برد. به یاد دارید که در مارس سال ۲۰۰۸ بهترین نمایندگان اقتصادی سیاست های اقتصادی فوق العاده ای را پیشنهاد دادند. سه ماه بعد از آن مساله، در ابتدا ما با بحران مالی روبرو شدیم و بعد از آن هم بحران اقتصادی مالی فراگیر شد. بالاخره هم به این نتیجه رسیدند که یک کار سیستماتیک بود. امروز ما شاهد نتایج انتخابات ریاست جمهوری امریکا هستیم و امیدواریم که سیاست های اقتصاد جهانی توسعه یابد. سعی ما در مرکز گفتگوی تمدن ها بر این است، چون مدل های قدیمی برای پیشرفت توسعه جهانی دیگر کاربرد نخواهند داشت و ما نیز مدل لیبرال توسعه جهانی را رد می کنیم، مدل های جدیدی را برای توسعه جهانی شدن، پیشنهاد دهیم. سال گذشته ما در سوئیس یک نشست را برگزار کردیم که نام آن «سیاست یا پدیده جهانی شدن بر علیه سیاست منطقه ای شدن» بود. در آن زمان مسائلی مانند منافع ملی اروپا، استقلال این دولت ها، کلمات نامطبوعی به حساب می آمدند. امروز وزیر سابق کشور آلمان اعلام می کند پایان توسعه جهانی شدن فرا رسیده است. ما فکر می کنیم مدلی که برای آینده این مساله پیش بینی و در نظر گرفته شده، شامل بخش های مختلفی است. بخش بزرگان و صاحب نظران، و اگر بخواهیم از امریکا شروع کنیم و اگر آقای ترامپ در مدت زمان زیادی در راس کار بماند، الیت و صاحب تفکرات اقتصادی امریکا مخالف این سیستم فعلی گسترش جهانی هستند. متخصصان سیاسی اقتصادی جهان امروز معتقد به دنیای چند قطبی با مراکز مختلف هستند. موضوع تحقیقات و فعالیت هایی که ما انجام می دهیم به صورت تئوریک است و می تواند بعنوان منبع و پایه گذار مدل آینده توسعه جهانی باشد. البته اوراسیای بزرگ هم یکنواخت نیست. چین یک کشور بسیار توسعه یافته و صاحب قدرت است و متخصصین و کارشناسان پیش بینی می کنند که تا سال ۲۰۲۰، تولید ناخالص ملی این کشور سهم ۱۵ الی ۲۰٪ از سطح تولید ناخالص جهانی را داشته باشد و اقتصاد امروز امریکا که ۲۰ الی ۲۱٪ تولید ناخالص ملی جهانی را در اختیار دارد، تا ۱۵٪ کاهش پیدا کند. در واقع ما با فرهنگ و سیستم تفکری آنگلو ساکسون های امریکایی آشنا هستیم. در چارچوب توسعه جهانی و جهانی شدن، امریکایی ها هیچ گاه نخواهند پذیرفت که در مرحله دوم قرار بگیرند و امریکا تمام سعی خودش را خواهد نمود که در سطح اقتصاد و سیاست جهانی با پیدا نمودن متحدین و همکاری های مختلف، بتواند در سطح بالا و به صورت یک ابر قدرت باقی بماند. در ارتباط با این مساله ما همکاری های اقیانوس آرام و همچنین پیمان آتلانتیک (ترانس آتلانتیک) را داریم. آنها محاسبات صحیحی داشتند، اینکه بتوانند اروپا و بخش گسترده ای از آسیا را به سمت خودشان جذب نمایند، با این سناریوهایی که پیش بینی کرده اند، اقتصاد آنها را غیر قابل شکست خواهد کرد. اما با امضاء اولین فرمان آقای ترامپ مبنی بر خروج از همکاری های اقیانوس آرام، مساله پیچیده تر شد. چینی ها هم به خوبی به این مساله واقف هستند که نمی توانند به تنهایی با امریکا رقابت کنند. بخاطر همین چینی ها پذیرفتند که با روسیه پیمان گسترش اقتصادی و راه جدید ابریشم جدید را امضا کنند. البته می دانید که چینی ها خیلی

محتاطانه با پیمان‌های چند جانبه جهانی برخورد می‌کنند. همه شما با سازمان بریکس آشنایی دارید. یک راه جدید که همان راه جدید ابریشم است و این راه می‌تواند به سوی پیشرفت باشد و همه اینها می‌توانند بعنوان عناصر آینده برای گسترش جهانی شدن باشند. ما در این مسیر مشکلات زیادی را شاهد خواهیم بود. ما حتی در دوران بعد از شوروی با کشورهای جدا شده از شوروی سابق هم مشکلات زیادی را داشتیم. در منطقه قفقاز، آذربایجان و ارمنستان قرار دارند و خارج از این منطقه، ترکیه و ایران می‌باشند که میان این مجموعه مسائل و مشکلاتی وجود دارد. اگر بخواهیم در بحث توسعه جهانی شدن مساله اقتصاد و فرمول منطقه‌ای شدن را در نظر بگیریم، به نظر می‌آید که این پیمان اوراسیای بزرگ پیمان قابل اعتمادی است. مطمئناً چینی‌ها سعی خواهند کرد که جدا و خارج از پیمان‌هایی که وجود دارد، به صورت انفرادی تک روی کنند. گرچه در پیمان‌های بین‌المللی حضور دارند. همچنین اندونزی از جمله کشورهای از اقیانوس آرام است که پیش‌بینی می‌شود رشد کند. می‌توانیم اینگونه تحلیل کنیم که دنیا تغییرات شگرف و بزرگی را در پیش رو دارد. ما هنوز نمی‌دانیم که نتیجه انتخابات فرانسه و آلمان چه خواهد شد. پیروزی طرف‌هایی که شاید خیلی مطبوع ما نباشند، ما روی آنها خط قرمز خواهیم کشید. توسعه پروژه‌های زیرساختی همچون راه ابریشم نوین و اوراسیای بزرگ، برای ما خیلی اهمیت دارد. ما از مطلبی که آقای پوتین ارائه کردند، حمایت کامل می‌کنیم. این مطلب تحت عنوان همگرایی اوراسیای بزرگ است. ایشان عنوان می‌کنند که پیشرفت در اوراسیای بزرگ در نتیجه گسترش همگرایی، فرهنگی، ارزشی، اقتصادی و سیاسی است. اما خطری که ما را تهدید می‌کند چه چیزی است؟ به همان ترتیب که نمی‌توانید بگویید منشاء تروریسم یک کشور و یا فرهنگ بخصوص است، به همان ترتیب هم نمی‌توانیم بگوییم که لیبرالیسم جهان شمول، فقط منشاء آن امریکا می‌تواند باشد، یا از امریکا می‌آید. آن هم، متعلق به همه جهان است. بنابر این ما نمی‌توانیم پیش‌بینی کنیم در دنیای امروز که همچنان در حال تغییر و تحول است، از کدام سمت و ناحیه با خطر مواجه هستیم. تنها راه دفاع و محافظت این است که همگرایی اوراسیایی و همچنین گفتمان اتفاق بیفتد. اینکه راه و روش دیگری وجود ندارد. ما در این زمینه آماده هستیم که با شما همکاری داشته باشیم. ما خودمان را مطلع و آگاه از همه چیز نمی‌دانیم و در این اکونومیست صدر اعظمی نمی‌کنیم. ولی بعضی از پیش‌بینی‌هایی که کرده بودیم، ظاهراً درست از آب درآمده و در واقع منطقی و عادلانه بود. متشکرم از توجه شما.

دکتر شوری: با تشکر از جناب آقای دکتر یاکونین. همانطور که ایشان نیز گفتند روند جهانی شدن آنگونه که در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ پیش‌بینی می‌شد، روند رو به جلویی نبوده است و روندهای منطقه‌گرایی هم از همان زمان شروع شده است و الان مشاهده می‌کنیم که منطقه‌گرایی‌های موفق در سطح جهانی نقش

تعیین کننده ای دارند. حوزه اوراسیا هم اگر چه منطقه گرایی را دیر شروع کرده است، ولی به نظر می رسد که باید این مسیر را با سرعت بیشتری ادامه بدهد. من از آقای دکتر کرمی دعوت می کنم که مطالب خودشان را بیان کنند و یک دیدگاه ایرانی را هم در این زمینه بشنویم.

دکتر کرمی: من از دوستانی که دعوت کردند و همچنین از پروفیسور یاکونین تشکر می کنم. موضوع بحث من در ارتباط با «بهم پیوستگی مناطق در شرایط جدید» است. در دوره بعد از جنگ سرد، مناطق نقش بسیار مهم تری را پیدا کردند. در دوره جنگ سرد، کل دنیا بر اساس سیاست دو ابر قدرت تعیین می شد. اما در دوره پس از جنگ سرد قدرت های منطقه ای، بعنوان بازیگران تعیین کننده در سیاست بین الملل تبدیل شده اند. اما من می خواهم در مورد چهار منطقه ای که در حوزه اوراسیایی هستند، تمرکز کنم. این چهار منطقه بیشترین تاثیر را در سیاست بین الملل دارند، که عبارتند از منطقه آسیا پاسیفیک، منطقه اوراسیای مرکزی، منطقه یورآتلانتیک و منطقه خاورمیانه. در این چهار منطقه قدرت های موثری حضور دارند؛ در منطقه آسیا پاسیفیک، چین - در اوراسیای مرکزی، روسیه - در یورآتلانتیک، امریکا، این کشورها قدرت های اصلی مناطق شان محسوب می شوند. اما در منطقه خاورمیانه ما هیچ قدرت مسلطی را نداریم. بلکه یک موازنه ای از قدرت های ایران، عربستان و ترکیه بعنوان تعیین کننده محسوب می شوند. یکی از مشکلات دیگر خاورمیانه این است که خاورمیانه بر خلاف سایر مناطق، فاقد هر گونه نهاد فراگیر و موثری در سطح منطقه ای است. لذا خاورمیانه بیشتر در معرض تاثیر بازیگران بین المللی است. هر یک از بازیگران موثر بین المللی در مورد خاورمیانه طرح خاصی دارند. مثلاً امریکایی ها طرح خاورمیانه بزرگ را مطرح می کنند. روسیه، طرح اوراسیای بزرگ را مطرح می کند. چینی ها هم در غالب طرح ابتکار امنیت آسیایی، به خاورمیانه نگاه می کنند. مشکل این است که ما فاقد هر گونه طرحی هستیم که در سطح خود منطقه ایجاد شده باشد و بتواند مشروعیت منطقه ای پیدا کند. واقعیت مهم تر این است که با وجود مناطق چهارگانه، شرایطی ایجاد شده که یک نوع پیوستگی گسترده ای بین این مناطق بوجود آمده است. موضوع تروریسم، مهاجرت و همچنین ارتباطات جاده ای و حمل و نقل یکی از این موضوعات است. همین طور در این دایره خطوط انتقال انرژی در سطح منطقه ای و بین المللی نیز قرار می گیرند. لذا، ضمن اینکه ما چهار منطقه بسیار مهم و ژئواستراتژیک داریم. اما این چهار منطقه بوسیله این روندهای چهار گانه، روز به روز بیشتر به یکدیگر نزدیک می شوند. لذا ما در کنار واقعیت جهانی شدن و منطقه گرایی، یک واقعیت سوم بنام پیوستگی مناطق را داریم. بخاطر همین در تئوری های روابط بین الملل از مفهوم میان منطقه ای استفاده می شود. من بحث خود را با این مفهوم تکمیل می کنم، بدین ترتیب ما شاهد اهمیت نقش مناطق و بازیگران منطقه ای و پیوستگی بین مناطق هستیم. اما وضعیت دیگر این است که ما هم زمان با این

اتفاقات، شاهد تحول اساسی نظام بین الملل هم هستیم. شاهد کاهش تدریجی قدرت امریکا، ظهور تدریجی قدرت چین و به طور طبیعی افزایش نقش قدرت های منطقه ای هستیم. در چنین شرایطی باید ببینیم که آینده خاورمیانه چه خواهد شد. همچنین چه فرصت ها و تهدیداتی برای ایران و روسیه در این منطقه وجود دارد. ما در سه دهه اخیر، شاهد همکاری هایی بین ایران و روسیه در موضوعات مختلف بوده ایم. و آخرین نمونه آن، همکاری در حفظ حکومت سوریه است. همکاری های ایران و روسیه، بویژه در مورد سوریه، مانند همکاری های گذشته در مقابله با طالبان ، یک مشکل اساسی دارد. اول اینکه این همکاری ها، سلبی است. در واقع بیشتر برای مقابله با تهدیدات و مشکلات است. اما وجه ایجابی ندارد. لذا همکاری های ایران و روسیه تا آنجا که در حوزه نظامی ، امنیتی و اطلاعاتی هست، خیلی خوب و موثر است. اما بخاطر فقدان وجهه سیاسی و فقدان طرحی برای جایگزینی آن برای شرایط بحرانی، بعد از مساله نظامی، بلافاصله شاهد شکل گیری مشکلات در دیدگاههای دو کشور هستیم. من فکر می کنم که بر نویسندگان ، پژوهشگران و دانشجویان دو کشور واجب است که در ارتباط با طرح های موثر در حوزه سیاسی برای شرایط پس از همکاری های نظامی اندیشه ای کنند. و الا صرف همکاری های نظامی امنیتی دو کشور، اگر چه خیلی خوب، مفید و موثر است، بدون طرح ها و پیوست های مکمل سیاسی ، ارتباطی، اجتماعی و اقتصادی برای شرایط بعد از بحران، یک اقدام نا تمام است. از صبر و حوصله شما متشکرم و فقط می خواستم همین یک نکته را عنوان کنم که در حقیقت همکاری های نظامی امنیتی ، به طرح های سیاسی و امنیتی ، بعنوان یک طرح ایجابی برای شرایط بعد از بحران همچنان با مشکل مواجه است.

دکتر شوری: با تشکر از جناب آقای دکتر کرمی. من فکر می کنم که باید یک طرح و همکاری در حوزه فرصت ها داشته باشیم و این طرح و همکاری نباید صرفاً در حوزه تهدیدها باشد. اگر همکاری هایمان را نتوانیم در حوزه فرصت ها، طراحی و برنامه ریزی کنیم، همکاری در حوزه تهدیدها ، خیلی نمی تواند ما را به پیش ببرد.

نظرات، پرسش و پاسخ:

دکتر حمید زنگنه: آقای دکتر کرمی به نکته درستی اشاره نمودند. اینکه ما در همکاری های پس از بحران مشکل داریم. در حال حاضر بحث تهیه پیش نویس قانون اساسی سوریه توسط روسیه مطرح هست و متأسفانه یک نکته ای که می تواند بعنوان چالش جدیدی برای خاورمیانه باشد، بحث اعطای خود مختاری به کردهای سوریه است. اگر چه مقامات روسیه اعلام کرده اند که امکان بحث در مورد این پیش نویس

وجود دارد. ولی یک انتظاراتی را در خاورمیانه و در میان کردها ایجاد می کند که مدیریت آن بسیار سخت خواهد بود. به جای اینکه موضوعی برای همکاری ایران، روسیه و ترکیه باشد، به یک چالش جدید برای ایران و ترکیه تبدیل خواهد شد. طبیعی است که ایران و ترکیه از روسیه انتظار داشته باشند که منافع آنها را در آینده خاورمیانه مد نظر قرار داشته باشد.

دکتر قاسمی: سوال من از پروفیسور یاکونین در حوزه سوریه است. عنایت دارید که در سوریه یک همکاری خوبی بین ایران، روسیه و سوریه شروع شد. ما فکر می کنیم که هر دو طرف در این حوزه بهره مند شدند و استفاده کردند. در محافل علمی، دانشگاهی و احیاناً دیپلماتیک امروزه این بحث مطرح است. همانطوری که آقای دکتر کرمی مطرح کردند، همکاری های ایران و روسیه در دوران های بحران و بحث های حوزه اطلاعات و امنیت به خوبی صورت می گیرد. ولی فراتر از آن دچار اشکالاتی می شود. چنانچه امروزه این نگرانی نیز مطرح است. حال که دوره بحران و درگیری های سخت در سوریه کنترل شده ، و رو به اتمام است. آیا در حوزه نرم، سیاست، فرهنگ، اجتماع، اقتصاد، این همکاری ها می تواند ادامه یابد؟ تحلیل آقای پروفیسور یاکونین چگونه است؟ روسیه چگونه دیدگاهی در این زمینه خواهد داشت؟

آقای طوسی: در ارتباط با چین و تغییر نقش های جدید در افق بین الملل ، ما می دانیم که دریای چین جنوبی از لحاظ ژئوپولتیک مشکل دارد و چند راه دارد که یکی از این راهها، مسیر اوراسیا ، دیگری مسیر گوادر در پاکستان ، حوزه میانمار در هندوچین است. با توجه به حضور آقای ترامپ در امریکا و علاقه ایشان برای کار بر مبنای هویت مسیحی با کشور روسیه، از این جهت که اوراسیا یک مسیر برای فشار بر چین بعنوان یک رقیب فعلی امریکا در دنیای لیبرال است، روسیه تا چه میزان به این نقش در عرصه بین الملل نگاه می کند، برای اینکه بتواند با امریکا نزدیک تر بشود.

خانم دکتر کریمی: موانع توسعه اقتصادی ایران و روسیه را در حال حاضر می توان شامل چه مواردی دانست؟

دکتر یاکونین: قبل از هر چیز مایل هستم که تشکر کنم از همکار محترم جناب آقای دکتر کرمی ، بخاطر صحبت های جالبی که کردند. من مواردی را برای خود یادداشت کردم. درست است، ایشان اشاره کردند که همکاری برای رفع مشکلات و بر علیه کسی همکاری طولانی و موفقی نخواهد بود. در بخش دوم چند سوال

را به صورت متحد ، پاسخ خواهیم داد. از جمله اینکه مردم و جمعیت روسیه به چه چیزی مایل هستند و به گسترش روابط و همکاری ها ، شاید به کشورهای آسیایی علاقه ای نداشته باشند. یا آیا می توانیم در بخش های مختلف از جمله بخش علمی ، فرهنگی و غیره همکاری داشته باشیم؟ و توسعه همکاری اتفاق بیفتد؟ البته نظر شخصی خود را مطرح و عنوان می کنم. من باید به دوره ای از کشور خود در سال ۱۹۹۱ اشاره کنم. نه تنها سیاست خارجی روسیه تغییر پیدا کرد، بلکه جهت گیری ها هم به طور کلی تغییر یافت. در همه کشورها تقریباً بومی گرایی منطقه ای در میان مردم وجود دارد. ما در سالهای گذشته یک تحقیق و مطالعه ای را انجام دادیم . اینکه چه شرایطی روی تولید مثل و تولد تاثیر می گذارد. همه دنیا این را پذیرفته اند که مساله مالی در افزایش تولید مثل ، تاثیر بسیار زیادی دارد. اما در سوالاتی که از مردم شده بود، به این نتیجه رسیده بودند که مساله مالی، دلیل سوم چهارم این موضوع می باشد. در واقع ثبات و ارزش دولت، همچنین اعتماد به آینده بیشتر تاثیرگذار هستند. چرا من از این موضوع صحبت می کنم برای اینکه بگویم روس ها علاقه ای به گسترش رابطه با شرق کشورهای آسیایی از جمله چین ندارند، این سوال، خیلی درستی نبود. بین جوانان در واقع مساله عدم ثبات و اینکه در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد مطرح است؛ اینکه ما باید چه کاری انجام دهیم و به کدام سمت باید جهت گیری داشته باشیم، یا به کدامین فرهنگ و یا کشور، جهت گیری داشته باشیم که آینده ما بهتر ساخته شود. نیاز برای سیستم آموزشی و علمی مطرح نشده است. برای اینکه فقط ملت به این فکر می کردند که چگونه زنده بمانند و به حیات خود ادامه دهند. به اعتقاد من این نیاز شکل خواهد گرفت. اینکه با ایران، ترکیه و یا کشورهای امثال اینها، چگونه روابط گسترده شود. اقوام مختلفی در کشور ما زندگی می کنند و از نزدیک بودن با مسلمانان ترس و واهمه ای نداشته و ندارند. ما چهارده میلیون مسلمان داریم. چیزی که امروز موجب ترس و وحشت در میان مردم شده ، استفاده ابزاری از دین بویژه اسلام و استفاده ابزاری ایدئولوژیک برای تروریسم است. اگر بخواهیم بررسی کنیم، مسلمانان بیشتری کشته شده اند. تعداد مسیحیان در آنجا کم بوده است. و مسلمانان بیشتری از بین رفته اند. بحث قدرت نرم و یا گسترش روابط نرم ، روابط علمی ، فرهنگی و تبادلات بین دو کشور برای همین است که این مسائل مطرح و حل بشوند. ولی این نوع همکاری ها ، جایگزین همکاری های سیاسی اقتصادی نخواهند بود. و اینجا یک راه دو طرفه است. من از دیدگاه تجربه خود و بحث راه آهن که مدیریت آن را داشته ام، مطرح می کنم. در واقع ایرانی ها هم آمادگی برای توسعه روابط راه آهن بین دو کشور ایران و روسیه را نداشتند. در سال ۲۰۰۲ بود که من مساله کریدور شمال و جنوب را امضا و انجام دادم. ولی متاسفانه بخاطر مسائل و مشکلات و بحران های بین ارمنستان و آذربایجان ، تا به امروز مسدود مانده است و هیچ پیشرفتی نکرده است. این یک طرح مشخص است. ولی نسبت به این قضیه باید پشتکار وجود داشته باشد که این مساله را پی گیری کنند. مساله استقلال کردها بهتر از مساله فلسطین نیست. و

این موضوع به این راحتی حل نخواهد شد. در ارتباط با موضوع استقلال کردستان که منابع مطرح نکرده اند، نمی توانم صحبتی داشته باشم. همه می دانند که حل کردن مشکل کردها و کردستان بدون حضور کردهای ایران، ترکیه، عراق، سوریه و کسانانی که در این زمینه ذی نفع هستند، غیر ممکن است. این طرح اولیه قانون اساسی است که از جانب روس ها اعلام شده و فکر می کنم که درست بوده است و هیچ وقت اینگونه نخواهد بود که شما طرحی را بدهید، آنها قبول کنند و بعد هم مساله حل شود. از سوی دیگر نمی دانم چینی ها تا چه حد می توانند جایگزین امریکایی ها باشند، ولی در آخرین کنفرانسی که چینی ها داشتند، طرف چینی موضع خوبی را اتخاذ کرد. فکر می کنم که چینی ها و حزب کمونیست چین جهت گیری هایی را دارد و با در نظر گرفتن توسعه چین تا سال ۲۰۲۰، اقدام خواهد کرد. من فکر می کنم که مساله و مشکل اصلی ما، نبود شناخت کافی بین دو طرف هست، که مانع گسترش روابط بین دو کشور ایران و روسیه است. من فکر نمی کنم که مساله تراژدی و قتل آقای گریبایدوف در ایران، مساله روز باشد. ما به اندازه کافی مشکلات دیگری در دنیای امروز داریم.

پایان گزارش /

موسسه مطالعات ایران و اوراسیا

ایراسیا